

شما می توانید با مطالعه و مرور لغات بخش واژگان کتب سه گانه و نیز مواردی که در توضیحات دروس آمده تسلط کافی بر لغات داشته باشید . ما نیز در این مجموعه لغات مشکل معنایی و ویژه نامه لغات مرتبط مانند ظروف و اسب ها و نماز ها و ... که بصورت دام تستی در کنکور مطرح می شود را قرار داده ایم .

لغات مشکل کتاب سال چهارم

لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی
آبزن	حوض کوچک	آرنک	آرنج	آرتک	چین و شکم ابروان	آوند	معلق
اجرا	راندن	اھرار	مستمری	ارغند	خشمگین	استخفاف	خفیف دانستن
استنکاف	سریازدن	اشتیاق	میل قلبی	اکسیر	کمیاب	آماج	هدف
الھاج	اصرار	آورند	تفت	اھل صورت	متشرعان	برنھستن	سوار شدن
یزه	گناه	بور شدن	خجل شدن	بھل	رها کن	بج روزی	درویش
بازھ	پاشویه	برده	حجاب	بشت پای	روی پای	تبتل	از جهان بریدن
تعریض	به گناہ سخن گفتن	تعلیمی	عصای سبک	تنجیم	نجوم	تضرع	زاری کردن
تھجد	شب بیداری	جرگه	زمره و گروه	جفر	قورباغھ	چوگ	شباویز
حادی	سرود خوان	حضمین	محکم و استوار	حضض	پست	حی	قبیلہ
خلیدن	زخم شدن	خواص	زنبیل یاف	در رفتن	وارد شدن	درزھ	بسته
دروقت	فوراً	دستور	اجازہ	دولاب	چرخ آب کشی	زندیق	ملحد و بی دین
سپردن	پای مال کردن	سمند	اسب زرد رنگ	سورت	تندی	شرحہ شرحہ	پارہ پارہ
صواب تر	درست تر	ضماد کردن	مروم نهادن	ضباع	زمین زراعتی	غریب	فریاد
غیرت	حمیت	فاق	نوک قلم	فجوح	پیروزی	فراست	زیرکی
قراین	نشانه ها	کرامت	بزرگی	کنده	خندق	لنگ و لوک	ناتوان
مرفع	خرقه صوفیان	معتز	سال خورده	مفلول	بسته	مقامر	قمارباز
مفر	افرارگر	ملاھی	آلات لھو	منتشا	چوب دستی	مھمل	بیهوده
نطلع	سفره و فرش چرمی	تقییر	فریاد	نماز بردن	تعظیم	وقت	واردی از خدا بر دل سالک
ھرا	آواز مھیب	ھمت	----	ھیون	اسب و شتر بزرگ	یکتایک	ناگهان

لغات مشکل کتاب سال دوم

معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت
بدبختی	ادبار	اسب خال دار	ابری	مردان خدا	ابدال	زمان مداوم	آزگار
لاف زدن	اشتم	درماندگی	استیصال	رحم خواستن	استرحام	بی درنگ	ارتجالاً
بداندیش	بدسگال	میان و اثنا	بجوجه	اسب	بارگی	زخمی و آزرده	افتکار
کلاه خود	ترگ	کاسه	تاسی	بی رقیب	بلامعارضی	سبزیجات	بقولات
دلجویی	تفقد	بیداری	تنبه	سرمه چشم	توتیا	بهبان جویی	تعفل
جویدن	خاییدن	تعویذ	حرز	دوراندیش	حازم	پیشانی	جبهه
خیاط	درزی	چاپخانه	دارالقیامه	علف جارو	خلک	زخمی	خسته
بی خردی	سناهت	لغزش و خطا	زلت	خلوتگاه سالکان	زاویه	پیشگاه خانه	رواق
خرقه درویشان	شولا	توس	سوم	دهانه تیر	سوفار	سفره	سماط
زمین زراعتی	ضیاع	درست	صواب	صدا کردن	صلازدن	شراب بامدادی	صبوح
قوس بنا	قاب	مفرور	خره	دشمن	عنود	آب و زمین	عقار
رهبر	لاور	ستاره	کوکب	اسب سرخ مایل سیاه	کمیت	دریان	قابوچی
بهره ور	مخظوظ	زبون گردیده	مخذول	وابسته ها	متفرعات	مخلوقات	ماسوا
آبگینه	مینا	مگر و حبله	مکاید	جویدن	مضغ	شادمان	مشعوف
گج بری	مقرنس	آگاه باش	هله	آواز مهیب	هرآ	بهشت	مینو

لغات مشکل کتاب سال سوم

معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت	معنی	لغت
اصرار	التجاج	روی برگرداندن	اعراض	درماندگی	استیصال	رفت و آمد	اختلاف
نواری که به ساق پا بچند	پاتابه	فرو گذاشتن	اهمال	توبه	انایت	مهلت دادن	اهمال
جستجو	تقرس	دو به هم زنی	تضریب	قرقاول	تذرو	پرخاشجو	پرخاشخر
اعتماد	تقت	امضا	توقيع	نیرنگ	تلیسی	بیان کردن	تقریر کردن
بدک	جیبیت	گناه	جنبه	لباس بلند و گشاد	جبه	دام	جال
نا امید	خایب	زیور و زینت	رحبلة	گش جرمی	جارق	بافنده	جولاهه

خط	خطا	خطوات	گام ها	خلق گونه	مندرس و کهنه	خلیده	زخمی
دراعه	بالاپوش	دوال	تسمه و کمر بند	دها	زیرگی	راغ	صحرا
رباط	کاروانسرا	زعارت	بدخلقی	زکیدن	غرولند کردن	سقطوت	حشمت
سفت	دوش	سلک	رشته و نخ	شراع	سایه بان	صقوت	برگزیده
صیانت	نگهداری	ضیعت	زمین زراعتی	طیلسان	ردا	عثرات	لغزش ها
عقد	گردن بند	غازه	گلکونه	فایق	بوتر	کانا	نادان
گرازان	با ناز راه رفتن	گشن	انبوه	لت	سیلی	متصید	شکارگاه
متعین	ثروتمند	مجمهر	آتشدان	محاق	پوشیده	مخفته	گردن بند
وقیفت	سرزنش	همیان	کیسه پول	مضیف	مهمان خانه	مشحون	پوشده